

بررسی تأثیر احساس عدالت اجتماعی در میزان مشارکت انتخاباتی (مورد مطالعه: استان مازندران سال ۱۳۹۸)

عبدالله آشتیانی^۱، مجید رادفر*^۲، ابوالقاسم حیدرآبادی^۳

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۰۹/۱۰

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۰۲/۰۷

چکیده

مشارکت سیاسی و حضور مردم در انتخابات یکی از عوامل مهم مشروعیت بخش برای نظام‌های سیاسی متفاوت است. عوامل متعددی می‌تواند در مشارکت انتخاباتی موثر باشند و بر کم و کیف آن تاثیر بگذارند. یکی از این عوامل عدالت اجتماعی است. لذا مقاله با هدف تأثیر عدالت اجتماعی بر مشارکت انتخاباتی انجام شد. روش تحقیق، پیمایشی بوده و با ابزار پرسشنامه، اطلاعات جمع‌آوری شد. جامعه آماری شامل افراد بالای ۱۵ ساله شهرهای استان مازندران است. روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای و حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران ۳۸۴ نفر است. یافته‌ها نشان می‌دهد میانگین مشارکت انتخاباتی بیش از حد متوسط و برابر با ۲,۳۴ است. بین عدالت اجتماعی و میزان مشارکت انتخاباتی رابطه مثبت و مستقیم با همبستگی ۰/۵۲۲ وجود دارد. هرچه عدالت اجتماعی بیشتر شود، میزان مشارکت انتخاباتی افزایش می‌یابد. همچنین می‌توان شاهد وجود رابطه مثبت بین مولفه‌های عدالت اجتماعی با مشارکت انتخاباتی بود. در بین ابعاد عدالت اجتماعی، بعد عدالت توزیعی بیشترین همبستگی را با مشارکت انتخاباتی دارد. نتیجه این که برای افزایش در مشارکت انتخاباتی در بین شهروندان مازندرانی بایستی به عدالت اجتماعی و ابعاد آن و از همه مهمتر عدالت توزیعی توجه ویژه ای نمود و شرایط را برای افزایش عدالت توزیعی در جامعه فراهم نمود.

واژگان کلیدی: عدالت اجتماعی، مشارکت انتخاباتی، عدالت توزیعی، عدالت رویه‌ای

^۱ دانشجوی دکتری گروه جامعه‌شناسی سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

(Email: niknik2020niknik@gmail.com)

^۲ دانشیار گروه جامعه‌شناسی، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران (نویسنده مسئول)

(Email: majidradfar20@gmail.com)

^۳ استادیار گروه جامعه‌شناسی، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران

(Email: majidkafashi@gmail.com)

مقدمه و بیان مسأله

بیش از نیم قرن از مطرح شدن تحلیل جامعه‌شناختی رفتار انتخاباتی شهروندان به صورت جدی و آکادمیک می‌گذرد. بررسی رفتار انتخاباتی شهروندان، صرفاً به حوزه جامعه‌شناسی مربوط نمی‌شود، بلکه در نقطه تلاقی بین علوم مختلف از جمله سیاست، روانشناسی، جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی، تاریخ، ارتباطات و آمار قرار می‌گیرد. نقطه آغاز این حوزه از علوم سیاسی اخذ می‌شود و در ادامه از حوزه‌هایی که نام‌برده شد، بهره می‌گیرد. گرچه میزان بهره‌گیری از حوزه جامعه‌شناسی می‌تواند بسیار پررنگ‌تر و جدی‌تر مطرح شود. در جمهوری اسلامی ایران نیز بررسی رفتار انتخاباتی، یک حوزه نسبتاً جدید پژوهشی به شمار می‌آید. منظور از مشارکت انتخاباتی، کنش آزادانه و داوطلبانه شهروندان در انتخاب حاکمان در روز انتخابات است که از این راه، بر فرایندهای سیاسی اعمال نفوذ می‌کنند. برخی معتقدند که مشارکت انتخاباتی افراد ممکن است اثبات‌گرایانه یا انتقادی باشد. این دونوع قرائت از مشارکت انتخاباتی را می‌توان بر دو نوع رهیافت معرفت‌شناسی، شامل عقلانیت غیرانتقادی و عقلانیت انتقادی استوار ساخت (ساعی، ۱۳۸۸: ۳). نظام‌های سیاسی بر پایه اعتماد عمومی و اراده مردم استوار می‌گردند و استمرار و اقتدار آنها وابسته به مشارکت و دخالت مردم است. این مشارکت در قالب‌های مختلفی شکل می‌گیرد: از جمله شرکت مردم در انتخابات و همه‌پرسی‌ها و حساسیت نسبت به نوع جریان امور در کشور و میزان دلبستگی آنها به نظام حاکم بر جامعه و حمایت از آن. در جوامع مدرن این مشارکت در قالب احزاب سیاسی و نهادهای اجتماعی هدایت می‌شود.

مشارکت مردم در امور سیاسی و اجتماعی، یکی از مباحث مهم علوم سیاسی است. این مشارکت در درجه اول از طبع اجتماعی انسان ریشه می‌گیرد. مشارکت در امور اجتماعی، نوعی تعهد و قبول مسئولیت فردی و اجتماعی است که همه افراد انسانی ناگزیر به پذیرش آن هستند. این تعهد و مسئولیت ممکن است یا در قالب فعالیت‌های معین صورت گیرد مانند بسیاری از رفتارهای اخلاقی و اجتماعی، و یا ساختار حقوقی و اقتصادی به خود بگیرد. مشارکت سیاسی فعالیت داوطلبانه‌ی اعضای جامعه در انتخاب رهبران و شرکت مستقیم و غیرمستقیم در سیاست‌گذاری عمومی است (مصفا، ۱۳۷۵: ۸۴). به عبارت دیگر، مشارکت سیاسی عبارت است از شرکت در فراگردهای سیاسی که به گزینش رهبران سیاسی منجر می‌شود و سیاست عمومی را تبیین می‌کند و یا بر آن تاثیر می‌گذارد (آبراکسی، ۱۳۷۶: ۳۸).

مشارکت انتخاباتی به عنوان یکی از گونه‌های مهم مشارکت سیاسی، جایگاه ویژه‌ای در مباحث جامعه‌شناسی سیاسی به طور عام و جامعه‌شناسی انتخابات به طور خاص دارد. تحلیل رفتار انتخاباتی یکی از کارهای ویژه جامعه‌شناسی انتخابات است که پژوهشگران تاکنون با مطالعه انتخابات گوناگون توانسته‌اند الگوهای متعددی در تحلیل رفتار انتخاباتی ارائه دهند. مطالعه رفتار انتخاباتی خاص با توجه به الگوهای ارائه شده در این باب، کار محقق را نظام مند و تاحدی آسان می‌گرداند. با این حال، اگرچه پدیده انتخاب به مفهوم سیاسی امروزی پدیده‌ای است نوین و خاستگاه تمدنی در غرب دارد اما تاکنون در مقایسه با پدیده‌های دیگر همچون انقلاب مورد تجزیه و تحلیل دقیق قرار گرفته است. در حالیکه، هر ساله شاهد انتخابات متنوع و متعدد در نقاط مختلف جهان هستیم اما در مقایسه با پدیده انقلاب که به ندرت اتفاق می‌افتد، دارای ضعفهای عمده نظری و بررسی کلان است (حیدرآبادی و صالح آبادی، ۱۳۹۳: ۸۲).

یکی از بارزترین نمونه‌های مشارکت مردمی، مشارکت در امور اجتماعی و سیاسی است که کمک فراوانی به حفظ وحدت و همبستگی ملی می‌کند. برخی از علل و عوامل موثر بر مشارکت مردم در امور سیاسی و اجتماعی شامل عوامل فرهنگی، هویت‌سازی، سنت و آداب و رسوم، عدالت اجتماعی، گروه‌های نفوذ و غیره می‌باشد. با توجه به اینکه عوامل تاثیرگذار متعددی وجود دارد و همه آنها در این مقاله قابل بررسی نمی‌باشد. از این رو تمرکز مقاله حاضر بر احساس عدالت اجتماعی و تاثیر آن بر مشارکت سیاسی افراد است. به عبارت دیگر، متغیر مستقل احساس عدالت اجتماعی از سوی مردم و متغیر وابسته اصلی مشارکت انتخاباتی و سیاسی افراد است.

احساس عدالت یکی از شاخص‌های اصلی رفاه اجتماعی در دنیای امروز می‌باشد. احساس عدالت را در قالب رفاه از دو بعد در نظر می‌گیرند از یک زاویه آن را در قالب فردی، اجتماعی و سیاسی (عملکرد مسئولین و سازمانها) تقسیم بندی می‌کنند و از بعد دیگر آن را به عدالت توزیعی و رویه ای تقسیم می‌کنند (هزارجریبی، ۱۳۹۰: ۴۱). در حقیقت، عدالت از مفاهیمی است که عقل جمعی همه افراد بشر، آن را نیکو می‌شمرد. عدالت به مثابه مفهومی، با سطح انتزاع بسیار بالا، از دیر باز ذهن بشر را به خود مشغول داشته است تا جایی که مباحثه درباره چستی عدالت، به مثابه یکی از محوری ترین سئوالات فلسفه سیاسی، همچنان استمرار دارد (پورعزت، ۱۳۸۰: ۸۵). با توجه به در پیش بودن یازدهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی در اسفندماه ۱۳۹۸، این مقاله درصدد بررسی مشارکت انتخاباتی شهروندان مازندرانی است. این شهروندان بایستی حداقل در یکی از انتخابات در سال‌های گذشته شرکت کرده باشند و جزء رأی دهندگان بار اول نباشند تا بتوان به نوعی مشارکت انتخاباتی پس رویدادی را در بین آنها مطالعه و بررسی نمود. با توجه به توضیحات فوق سؤال اصلی پژوهش آن است که احساس عدالت چه تأثیری بر مشارکت انتخاباتی افراد در مازندران دارد؟

مروری بر ادبیات نظری و سوابق تحقیق

اندیشمندان برای تبیین رفتار انتخابی از الگوهای گوناگونی استفاده کرده‌اند. دسته‌بندی این الگوها نیز به صورتهای گوناگونی توسط محققان انجام شده است. ربیعی رهیافتها و نظریه‌های مرتبط با مشارکت و رای دهی را در پنج گروه دسته بندی نموده است، که عبارتند از: ۱). نظریه انگیزه ابزاری، ۲). نظریه موقعیت‌های فردی و اجتماعی، ۳). رهیافت آرمانی یا سنتی، ۴). رهیافت جامعه شناختی، و ۵). رهیافت روانی - سیاسی (ربیعی، ۱۳۸۰: ۵۹-۳۵). بنا بر نظر فلاسفه سیاسی، دو عامل اصلی درگیر، در داوری‌های افراد جامعه در برابر عدالت خواهی سیاسی، عدالت توزیعی و رویه‌ای است. این دو رویکرد اصلی به عدالت اجتماعی به اشکال متعدد در تصمیم‌گیری‌های افراد جامعه نسبت به مفید بودن یا نبودن سیاست‌های حکومت‌ها در راستای جلب مشارکت مردم برای همراهی و همکاری در اجرای برنامه‌ها، همواره نقش با اهمیتی را ایفا کرده و می‌کند. رویکردهای کنونی به عدالت اجتماعی توزیعی (نیاز برابری، انصاف، اقتصادگرایی فردی) در سطح بسیاری از جوامع توسط محققان حوزه‌های جامعه‌شناسی و روانشناسی مورد بررسی قرار گرفته و در عین حال بر پایه این تحقیقات مشخص شده که بی توجهی به تصورات افراد هر جامعه‌ای نسبت به عدالت اجتماعی، می‌تواند تبدیل به معضلات جدی سیاسی و اجتماعی شود. به باور اندیشمندانی چون کلمن (۱۹۹۰) عناصر اصلی در عدالت سیاسی، برابری عناصر و لوازم توسعه سیاسی است که دارای سه مولفه اساسی شهروندی ملی، نظم حقوقی کلیت‌گرا و هنجارهای موفقیت هستند. این مولفه‌ها، به طور کلی در یکی از چهار مولفه (برابری سیاسی)، برابری توزیعی، فرصتی، قانونی و مشارکتی نمود خود را بجا می‌گذارند.

تعبیر مختلفی از عدالت اجتماعی وجود دارد. برخی عدالت اجتماعی را به مثابه مساوات و برابری می‌دانند. این نوع برداشت، بیشتر در دوران مدرنیته رایج گردیده است. بر اساس این برداشت همه انسان‌ها برابر اند و هیچ معیاری برای برتری از همدیگر ندارند. برخی دیگر عدالت اجتماعی را به مثابه انصاف، بی طرفی و برابری فرصت‌ها می‌دانند. این نوع برداشت در قرن بیستم مطرح گردیده و از سوی جان راولز تئوریزه گردیده است. جان راولز خواستار آزادی‌های اساسی و برابری فرصت‌ها برای همه است. نابرابری‌های اجتماعی که به چشم می‌خورد، باید طوری ترتیب گردد که بیشترین منفعت را برای کم بهره‌ترین افراد داشته باشد. قاضیان بر سه گروه عمده از نظریه‌ها تاکید دارد: ۱). نظریه‌های جامعه‌شناختی که عمدتاً در میان پژوهشگران دانشگاه کلمبیا نشو و نما پیدا کردند، ۲). نظریه‌ها مرتبط با مطالعات روانشناسی اجتماعی که در میان پژوهشگران دانشگاه میشیگان رواج یافت و ۳). نظریه‌های ترکیبی که بر عوامل گوناگون تاکید دارند و نظریه کنش عقلانی را دربر دارد که با رهیافت اقتصادی و روانشناختی به رفتار انتخاباتی توجه دارد (قاضیان، ۱۳۸۰: ۵۰-۳۲). بر اساس تقسیم‌بندی‌های فوق، عوامل گوناگونی بر مشارکت انتخاباتی موثر

هستند. در یک نگاه عام و کلی می‌توان اقتصاد، اجتماع و فرهنگ را از عوامل مهم قلمداد کرد. این عوامل را در کنار عوامل دیگر جمعیت شناختی از قبیل سن، جنس، تاهل، محل تولد، و غیره قرار داد.

از نظر هانتینگتون^۱ مهمترین عامل توسعه سیاسی در کشورها، همانا مشارکت سیاسی است. آنان مشارکت سیاسی را تابعی از فرایند توسعه اقتصادی و اجتماعی و تصمیمات نخبگان حاکم و سیاست‌های آنها می‌دانند، به عبارتی، نخبگان برای تحکیم قدرت خود، تحکیم استقلال ملی، اصلاحات اجتماعی و کاهش نابرابری‌های اجتماعی اقتصادی و غیره مشارکت بخش‌هایی از جامعه را در سیاست تسهیل و تشویق می‌کنند. از نظر هانتینگتون مجاری سازمانی یعنی عضویت فرد در گروه‌ها در سازمان‌های اجتماعی احتمال مشارکت در فعالیت اجتماعی و سیاسی را بیشتر می‌کند (اسمیت: ۱۹۷۹، ۶۰-۲۰). لرنر با تأکید بر نقش ارتباطات آن را زمینه ساز بسیج می‌داند و معتقد است که ارتباطات مشارکت و توسعه سیاسی را سازمان می‌بخشد. از نظر دانیل لرنر میان وجود و استفاده از وسایل ارتباط جمعی با مشارکت سیاسی و اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد (پناهی، ۱۳۸۳، ۹۶ و ازکیا، ۱۳۷۷، ۱۰۸). جورج هربرت مید در تحلیل کنش‌های افراد روی مفهوم خود و پنداشت فرد از واقعیت‌ها تأکید خاص دارد، بر اساس این دیدگاه الگوی کنش یا شیوه برخورد افراد با واقعیت‌ها نه تابع واقعیت‌های بیرونی و نه تمایلات درونی بلکه تابع پنداشتی است که آنان از واقعیت‌ها در قالب نهادها پیدا می‌کنند. این پنداشت‌ها از طریق تعامل با دیگر شکل می‌گیرد و امری متغیر و پویاست، به طوری که برحسب هر موقعیت قابل تفسیر است (عبداللهی، ۱۳۷۸، ۲۴). آلموند و وربا جهت بررسی مشارکت سیاسی در پنج کشور ایتالیا، انگلیس، امریکا، مکزیک و آلمان از نظریه اجتماعی شدن سیاسی استفاده کردند و طی آن سه نهاد اجتماعی کننده خانواده، مدرسه و شغل را از نظر میزان الگوی مشارکت بررسی کردند. «استدلال آلموند و وربا در نهایت این است که هر چقدر سه نهاد اجتماعی کننده فوق‌الذکر، الگوی مشارکت قوی‌تری را نهادینه کرده باشند و فرد در درون این سه نهاد اجتماعی کننده مشارکت بیشتری داشته باشد در مراحل بعدی زندگی مشارکت سیاسی بیشتری خواهد داشت و جامعه مربوط از نظر فرهنگ سیاسی به فرهنگ مشارکتی نزدیک‌تر خواهد بود» (عرفانی، ۱۳۸۳: ۷۶).

در این تحقیق نقش عدالت اجتماعی بر مشارکت انتخاباتی مورد بررسی جامعه شناختی قرار گرفته است. پژوهش‌های بسیار اندکی در مورد رابطه احساس عدالت اجتماعی با میزان مشارکت انتخاباتی و سیاسی در ایران انجام شده است. شفیعی و مددلو (۱۳۹۸)، احمدلو (۱۳۹۸)، زائرکعبه و دیگران (۱۳۹۶)، طالبان و میرحسینی (۱۳۹۵)، حکیمی حیدرآبادی (۱۳۹۵)، محمدی‌فر و دیگران (۱۳۹۴)، ابراهیم پور و دیگران (۱۳۹۴)، حیدرآبادی و صالح آبادی (۱۳۹۳)، سعیدی‌فر (۱۳۹۰)، معمار (۱۳۸۸)، کیریش^۲ (۲۰۱۳)، آلبانسی^۳ و همکاران (۲۰۱۲)، فلاوین و کین^۴ (۲۰۱۲)، گربر و روجرز^۵ (۲۰۰۹) به بررسی عدالت اجتماعی و یا مشارکت انتخاباتی پرداخته‌اند. یوسفی (۱۳۸۱) به بررسی تاملی در مفهوم مشروعیت سیاسی، واری مدل نظری مشروعیت پرداخت. در تحلیل مشروعیت سیاسی، تأثیر دو دسته از عوامل (خصوصیات نظام سیاسی و خصوصیات شهروندی) بر مشروعیت سیاسی مورد تأکید قرار گرفته است. خصوصیات شهروندی شامل متغیرهای «اعتماد سیاسی، مشارکت سیاسی، احساس عدالت سیاسی و سوگیری‌های ارزشی» است و خصوصیات نظام سیاسی شامل «پاسخگویی، عملکرد، انصاف رویه‌ای و انصاف توزیعی نظام سیاسی» است.

عریضی سامانی و گل پرور (۱۳۸۴) تحقیقی تحت عنوان رابطه بین رویکردهای عدالت اجتماعی با مولفه‌های برابری سیاسی انجام دادند. نتایج نشان داد که بین فردگرایی اقتصادی با برابری فرصتی و مشارکتی در عدالت سیاسی رابطه مندی معنادار وجود دارد. همچنین بین انصاف در عدالت اجتماعی و برابری فرصتی و مشارکتی نیز رابطه منفی وجود داشت. بین برابری در عدالت اجتماعی و برابری توزیعی، برابری قانونی و برابری مشارکتی به ترتیب رابطه مثبت معنادار بدست آمد. بین نیاز در عدالت اجتماعی و برابری

^۱ Huntington

^۲ Kirbiš

^۳ Albanesi

^۴ Flavin & Keane

^۵ Gerber, A. S. & Rogers

توزیعی و برابری مشارکتی و بین نیاز در عدالت اجتماعی و برابری قانونی رابطه منفی و مثبت معنادار به دست آمد. همبستگی‌های متعارف نیز نشان داد که رویکردهای چهارگانه عدالت اجتماعی از طریق عدالت اجتماعی کلی قادر به پیش بینی میزان برابرخواهی عدالت سیاسی هستند.

فرضیه‌های تحقیق

برای ارائه فرضیات تحقیق سعی شد تا به پشتوانه نظری و تئوریک آنها نیز توجه شود. فرضیه کلی ارائه شده برگرفته از نظریه سیاسی میلبراث و نظریه کلمن در زمینه عدالت اجتماعی و کنش‌های اجتماعی است. همچنین پیشینه تجربی عریضی سامانی و گل‌پرور (۱۳۸۴) نیز می‌تواند به عنوان پشتوانه نظری فرضیه‌های تحقیق مطرح باشد.

فرضیه کلی

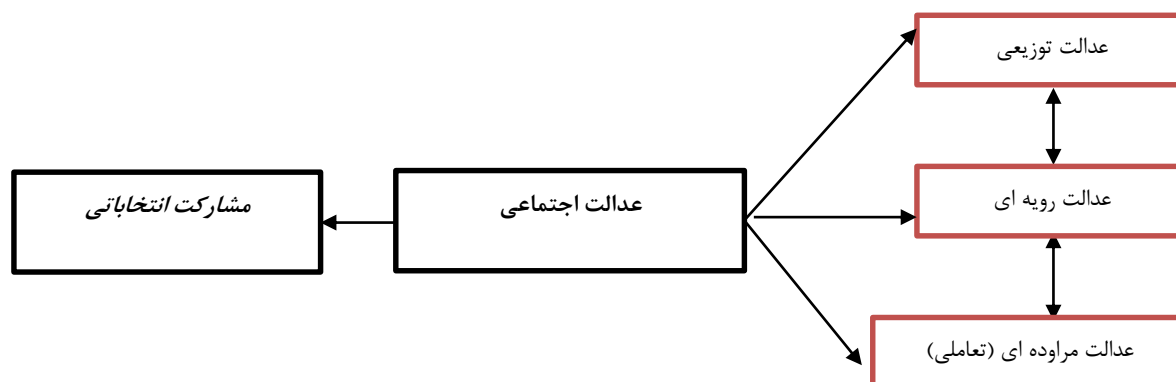
احساس عدالت اجتماعی در میزان مشارکت انتخاباتی در استان مازندران تأثیر دارد.

فرضیه‌های جزئی

۱. عدالت توزیعی بر میزان مشارکت انتخاباتی در استان مازندران تأثیر دارد.
۲. عدالت رویه‌ای بر میزان مشارکت انتخاباتی در استان مازندران تأثیر دارد.
۳. عدالت تعاملی بر میزان مشارکت انتخاباتی در استان مازندران تأثیر دارد.

مدل مفهومی تحقیق

در این پژوهش متغیر عدالت اجتماعی به عنوان متغیر مستقل و متغیر مشارکت انتخاباتی به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شده است. در این مدل متغیر عدالت اجتماعی دارای سه بعد عدالت توزیعی، عدالت رویه‌ای و عدالت تعاملی است که بر متغیر وابسته مشارکت انتخاباتی تأثیر می‌گذارند.



روش تحقیق

روش تحقیق، مبتنی بر پارادایم اثبات‌گرایی و رهیافت کمی است که با روش پیمایشی انجام شده است. با توجه به برخورداری تحقیق از دو سطح نظری، روش گردآوری اطلاعات، ترکیبی از روش‌های میدانی و کتابخانه‌ای است. که در آن برای گردآوری اطلاعات در سطح تجربی از تکنیک "پرسشنامه نیمه ساخت یافته" (که بر اساس اهداف تحقیق، زمینه‌های نظری، ادبیات تحقیق و زمینه مورد مطالعه تهیه شده است) استفاده شده است. روش تجزیه و تحلیل داده‌ها توصیفی و همبستگی می‌باشد و هدف آن

شناخت و توصیف وضعیت موجود مشارکت انتخاباتی (متغیر وابسته) و تعیین رابطه آن با مولفه‌های عدالت اجتماعی (متغیر مستقل) می‌باشد. بنابراین از لحاظ روش گردآوری داده‌ها از دو روش اسنادی (کتابخانه‌ای) و روش میدانی (پیمایش و مصاحبه) استفاده شده است.

جامعه آماری این تحقیق کلیه مردان و زنان ۱۵ ساله و بیشتر ساکن در شهرهای استان مازندران را شامل می‌شود. بر طبق سرشماری سال ۱۳۹۵ تعداد آنها برابر با ۱۸۹۷۲۳۸ نفر می‌باشد. تعداد ۳۸۴ نفر به عنوان حجم نمونه انتخاب شدند. بعد از مشخص شدن نمونه آماری، برای انتخاب نمونه از جامعه آماری از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای استفاده شده است. بر این اساس در مرحله اول نمونه‌گیری، شهرهای استان مازندران به سه قسمت یا خوشه تقسیم شدند: به طوریکه شهرهای بالای ۱۰۰ هزار نفر جمعیت در گروه ۱، شهرهای با جمعیت ۵۰ تا ۱۰۰ هزار نفر در گروه ۲، و شهرهای با جمعیت کمتر از ۵۰ هزار نفر در گروه ۳، طبقه بندی شدند. سپس بر طبق اطلاعات بدست آمده تعداد شهرها برابر با ۵۸ شهر بوده است که از هر خوشه دو شهر انتخاب گردید. در ادامه هر کدام از خوشه‌ها به منطقه‌هایی از نظر مناطق بالا و پایین شهر تقسیم‌بندی گردید. در مرحله بعد با استفاده از نمونه‌گیری تصادفی از هر خوشه، از بین مناطق مشخص شده یک منطقه پایین شهر، یک منطقه بالا شهری و یک منطقه مرکزی و بینابین که معرف کل خوشه باشد انتخاب شد. در ادامه از داخل هر کدام از این مناطق و محلات اطلاعات جمع‌آوری شد. بنابراین شش شهر ساری، بابل، بهشهر، بابلسر، تنکابن و نوشهر به عنوان شهرهای نمونه طبق جدول زیر انتخاب شدند.

جدول شماره ۱: جمعیت و شهرهای استان مازندران

جمعیت	نام شهر	گروه بندی	تعداد شهرها	شهرهای انتخابی
بالای ۱۰۰ هزار نفر جمعیت	ساری، بابل، آمل، قائم‌شهر	شهرهای گروه یک	۴	ساری، بابل
با جمعیت ۵۰ تا ۱۰۰ هزار نفر	بهشهر، چالوس، نکا، بابلسر	شهرهای گروه دو	۴	بهشهر، بابلسر
با جمعیت کمتر از ۵۰ هزار نفر	تنکابن، نوشهر، فریدونکنار و سایر شهرها	شهرهای گروه سه	۵۰	تنکابن، نوشهر

برای روش تجزیه و تحلیل اطلاعات از نرم افزار spss استفاده شده است و برای ارتباط بین متغیر مستقل و وابسته میزان مشارکت انتخاباتی از ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون بهره گرفته شد. روایی پژوهش به شیوه اعتبار محتوی و با مراجعه و تبادل نظر با افراد متخصص و صاحب‌نظر تضمین گردیده است. مقدار CVR بدست آمده ۰/۹۰، می‌باشد. برای سنجش پایایی ابزار اندازه‌گیری، از آلفای کرونباخ استفاده شد. مقدار آلفای کرونباخ متغیر مستقل ۰/۸۲ و متغیر وابسته ۰/۷۷ می‌باشد و نشانگر آن است که همبستگی و همسازی درونی بین گویه‌های مربوط به متغیرها مناسب و قابل قبول می‌باشد. بنابراین مقدار ضریب آلفای کرونباخ متغیرها در حد بالایی است و گویه‌های آن توانسته‌اند از همسازی درونی لازم برخوردار باشند.

تعریف مفاهیم

عدالت اجتماعی: در فرهنگ آکسفورد، عدالت به منزله حفظ اصول قانونی، اجتماعی و اخلاقی، به وسیله اعمال اقتدار یا قدرت تعریف شده است. امروزه برخی عدالت اجتماعی را عبارت از وجود فرصت‌های برابر اجتماعی برای کسب آموزش و مهارت و دسترسی به سرمایه مالی و فیزیکی می‌دانند. در واقع عدالت اجتماعی معطوف به سیاست‌های رویه‌ای و توزیعی یا اجرایی است که نهایتاً جامعه را به سمت نوعی تعادل بین طبقات برخوردار و محروم از مواهب طبیعی سوق می‌دهد (باقری، ۱۳۸۴: ۴۶). در تحقیق حاضر برای سنجش میزان احساس عدالت از سه بعد عدالت رویه‌ای، عدالت تعاملی و عدالت توزیعی استفاده شد.

مشارکت انتخاباتی: به هر نوع فعالیت سیاسی داوطلبانه در رابطه با احزاب، انتخاب کردن و انتخاب شدن برای پست‌های سیاسی جامعه، اثرگذاری در شکل‌گیری سیاست‌ها و برنامه‌های عمومی و در نهادها و نظام سیاسی جامعه گفته می‌شود که در دو بعد سنجیده شده است.

بعد ذهنی مشارکت: به نوع پنداشت فرد از شرکت در فعالیت‌های سیاسی گفته می‌شود که قبل از هر اقدامی به او کمک می‌کند تا وضعیت‌های سیاسی واقعی یا بالقوه را بررسی کند. تمایل به شرکت در انتخابات شوراها، تمایل به شرکت در انتخابات ریاست جمهوری، تمایل به شرکت در راهپیمایی‌ها، تمایل به عضویت در انجمن‌ها و احزاب سیاسی.

بعد عینی مشارکت: جنبه دیگر مشارکت، مشارکت انتخاباتی عینی است یعنی درگیر شدن در فعالیت‌هایی که بنا به تعریف مشارکت انتخاباتی تلقی می‌شوند و به صورت عضویت، نظارت، اجرا و تصمیم‌گیری بروز می‌کند از قبیل مشارکت در میتینگ‌های عمومی، شرکت در رأی‌گیری، حضور در انتخابات و شرکت در احزاب و گروه‌ها و غیره (امام‌جمعه زاده و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۸). منظور پناهی از مشارکت انتخاباتی هر نوع فعالیت سیاسی داوطلبانه در رابطه با احراز، انتخاب کردن و انتخاب شدن برای پست‌های سیاسی جامعه، اثرگذاری در شکل‌گیری و برنامه‌های عمومی و در نهادها و نظام سیاسی جامعه است (پناهی، ۱۳۸۶، ۸۸). همچنین لستر میلبراث، مشارکت انتخاباتی را، مجموعه‌ای از فعالیتها و اعمال شهروندان برای اعمال نفوذ بر حکومت و حمایت از نظام سیاسی می‌داند. در این تعریف، حیطه عمل مردم در امر مشارکت سیاسی شامل: اعمال فشار، رقابت و تأثیرگذاری از یک سو و حمایت و پشتیبانی از سوی دیگر است (وثوقی، ۱۳۸۳: ۱۱۰). بنابراین تعریف مورد استفاده در تحقیق حاضر در چارچوب تعریف میلبراث و پناهی قرار می‌گیرد. مشارکت انتخاباتی، هرگونه عمل داوطلبانه‌ای است که اعضای جامعه به منظور حمایت از نظام سیاسی و تأثیرگذاری بر آن در چهارچوب مشخص و تعیین شده که به طور رسمی و برنامه‌ریزی شده توسط سازمانها و نهادهای رسمی کشور صورت می‌گیرد انجام می‌دهند. شرکت فرد در انتخابات و حضور وی در پای صندوق‌های رأی و شرکت در یک واقعه سیاسی می‌باشد.

یافته‌ها

در جدول زیر نحوه توزیع پاسخگویان بر حسب میزان مشارکت انتخاباتی مشاهده می‌شود. میانگین مشارکت انتخاباتی برابر با ۲/۳۴ است که در حد بالایی است. به عبارت دیگر میانگین آن از عدد سه (حداقل یک و حداکثر سه) نشانگر عملکرد بالای مشارکت انتخاباتی است. بیشترین فراوانی مربوط به گویه شماره یک (شرکت در انتخابات وظیفه هر فرد ایرانی است) می‌باشد که ۷۴/۱ درصد با آن موافق هستند و کمترین فراوانی مربوط به گویه شماره نه (در تشکل‌های سیاسی و انجمن‌ها در دانشگاه یا بیرون دانشگاه فعالیت می‌کنم) می‌باشد که ۳۷/۱ درصد با آن موافق هستند.

جدول شماره ۲: توزیع پاسخگویان بر حسب میزان مشارکت انتخاباتی

گویه‌های میزان مشارکت انتخاباتی	مخالقم	نظری ندارم	موافقم	میانگین	انحراف معیار
شرکت در انتخابات وظیفه هر فرد ایرانی است	۱۵/۱	۱۰/۷	۷۴/۱	۲/۶	۰/۷۴
نوشتن نامه به مسئولین و مقامات وظیفه هر فرد ایرانی است	۱۵/۱	۲۳/۴	۶۱/۵	۲/۵	۰/۷۴
دانشجو باید در سخنرانی‌های سیاسی شرکت کند	۱۳/۲	۲۹/۳	۵۷/۶	۲/۴	۰/۷۲
هر فرد باید در ستاد انتخاباتی شرکت داشته باشد	۲۴/۹	۲۶/۸	۴۸/۳	۲/۲	۰/۸۲
باید مشارکت سیاسی برای هر فرد ایرانی اهمیت فراوان داشته باشد	۱۶/۶	۲۳/۴	۶۰	۲/۴	۰/۷۶
وظیفه‌ی ماست که در راهپیمایی‌ها شرکت کنیم	۲۶/۸	۲۶/۸	۴۶/۳	۲/۲	۰/۸۳
عضویت در تشکل‌های سیاسی یک امر مهم است	۲۸/۳	۳۰/۷	۴۱	۲/۱	۰/۸۲
جامعه ما جامعه‌ای است که اسلام در آن نقش بسزایی دارد. بنابراین تأثیر یک نظام مبتنی بر جمهوری اسلامی موجه و مطلوب است.	۱۹/۵	۱۸/۵	۶۲	۲/۴	۰/۸۰
در تشکل‌های سیاسی و انجمن‌ها در دانشگاه و یا بیرون دانشگاه فعالیت می‌کنم.	۳۰/۷	۳۲/۲	۳۷/۱	۲/۱	۰/۸۲
تحولات و رویدادهای سیاسی در کشورهای منطقه را دنبال می‌کنم.	۱۸/۵	۲۲/۹	۵۸/۵	۲/۴	۰/۷۸
جمع				۲/۳۴	

متغیر میزان عدالت اجتماعی در سه بعد عدالت توزیعی، عدالت رویه‌ای و عدالت تعاملی مورد ارزیابی و سنجش قرار گرفت. حدود ۲۲/۹ درصد میزان عدالت توزیعی را در حد خیلی کم می‌دانند. حدود ۱۹ درصد در حد کم، حدود ۲۳/۸ درصد در حد متوسط، حدود ۲۵/۷ درصد در حد زیاد و حدود ۸/۶ درصد نیز میزان عدالت توزیعی را در حد خیلی زیاد می‌دانند.

جدول شماره ۳: توزیع پاسخگویان بر حسب میزان عدالت اجتماعی

میزان عدالت	عدالت توزیعی	عدالت رویه‌ای	عدالت تعاملی	عدالت اجتماعی
خیلی کم	۲۲/۹	۸/۶	۱۹	۱۸/۱
کم	۱۹	۱۹	۲۲/۹	۲۳/۸
متوسط	۲۳/۸	۲۲/۹	۲۲/۹	۲۲/۹
زیاد	۲۵/۷	۲۸/۶	۲۱/۹	۱۸/۱
خیلی زیاد	۸/۶	۲۱	۱۳/۳	۱۷/۱
جمع	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

حدود ۸/۶ درصد میزان عدالت رویه‌ای را در حد خیلی کم می‌دانند. حدود ۱۹ درصد در حد کم، حدود ۲۲/۹ درصد در حد متوسط، حدود ۲۸/۶ درصد در حد زیاد و حدود ۲۱ درصد نیز میزان عدالت رویه‌ای را در حد خیلی زیاد می‌دانند. حدود ۱۹ درصد میزان عدالت تعاملی را در حد خیلی کم می‌دانند. حدود ۲۲/۹ درصد در حد کم، حدود ۲۲/۹ درصد در حد متوسط، حدود ۲۱/۹ درصد در حد زیاد و حدود ۱۳/۳ درصد نیز میزان عدالت تعاملی را در حد خیلی زیاد می‌دانند. در نهایت متغیر مستقل میزان عدالت اجتماعی با استفاده از بیست و یک گویه سنجیده شد. در مجموع حدود ۱۸/۱ درصد میزان عدالت اجتماعی را در حد خیلی کم می‌دانند. حدود ۲۳/۸ درصد در حد کم، حدود ۲۲/۹ درصد در حد متوسط، حدود ۱۸/۱ درصد در حد زیاد و حدود ۱۷/۱ درصد نیز میزان عدالت اجتماعی را در حد خیلی زیاد می‌دانند. می‌توان گفت که میزان عدالت اجتماعی در بین افراد مورد مطالعه در حد متوسط رو به پایین است.

فرضیه اصلی: احساس عدالت اجتماعی در میزان مشارکت انتخاباتی در استان مازندران تأثیر دارد.

سطح سنجش دو متغیر کمی است و برای بررسی رابطه متغیرها از ضریب همبستگی پیرسون استفاده گردید. بررسی رابطه متغیرها گویای این است که بین دو متغیر همبستگی معناداری وجود دارد و لذا فرضیه صفر رد و فرضیه تحقیق پذیرفته یا تایید می‌شود. بنابراین می‌توان گفت که بین میزان عدالت اجتماعی و میزان مشارکت انتخاباتی رابطه وجود دارد. اما این رابطه مثبت و مستقیم می‌باشد. بدین صورت که هر چه میزان عدالت اجتماعی بیشتر شود، میزان مشارکت انتخاباتی بیشتر می‌شود و برعکس هر چه میزان عدالت اجتماعی کمتر شود، میزان مشارکت انتخاباتی کاهش می‌یابد. این همبستگی مستقیم با احتمال بیش از ۹۹ درصد معنادار است و شدت همبستگی آن بسیار قوی است. پس هر چقدر عدالت اجتماعی بیشتر باشد، میزان مشارکت انتخاباتی افزایش می‌یابد.

جدول شماره ۴: ضریب همبستگی پیرسون بین عدالت اجتماعی و میزان مشارکت انتخاباتی

مقدار ضریب همبستگی اسپیرمن	سطح معنی‌داری	نتیجه آزمون
۰/۵۲۲	۰/۰۰۰	همبستگی مثبت معنادار و رد H_0

ضریب همبستگی پیرسون بین عدالت اجتماعی و میزان مشارکت انتخاباتی برابر با ۰/۵۲۲ و سطح معناداری آن صفر است. به دلیل این که سطح معناداری در ضریب همبستگی کمتر از پنج درصد است، لذا رابطه معناداری بین دو متغیر عدالت اجتماعی و میزان مشارکت انتخاباتی وجود دارد و فرض H_0 رد شده و فرض H_1 مورد تأیید است.

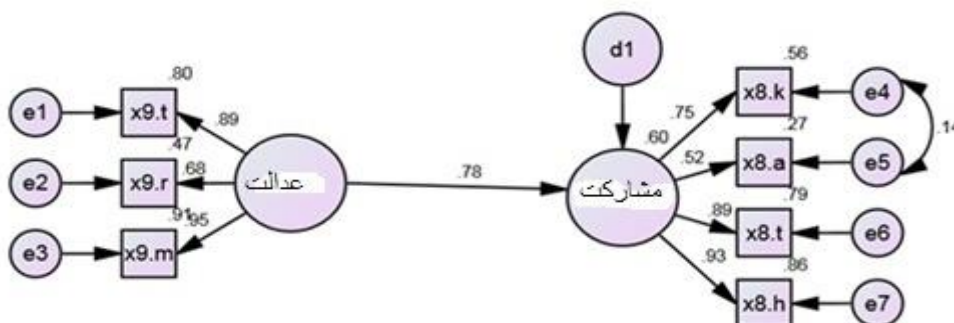
جدول شماره ۵: ضریب همبستگی پیرسون بین ابعاد عدالت اجتماعی و میزان مشارکت انتخاباتی

متغیر	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معنی داری	نتیجه آزمون
عدالت توزیعی	۰/۵۹۹	۰/۰۰۰	همبستگی مثبت معنادار و تأیید فرضیه
عدالت رویه ای	۰/۴۷۲	۰/۰۰۰	همبستگی مثبت معنادار و تأیید فرضیه
عدالت تعاملی	۰/۵۰۲	۰/۰۰۰	همبستگی مثبت معنادار و تأیید فرضیه

سه فرضیه دیگر ارتباط ابعاد عدالت اجتماعی را با مشارکت انتخاباتی می سنجدند. با توجه به سطح سنجش متغیرهای میزان عدالت رویه ای و میزان مشارکت انتخاباتی که کمی بوده و همچنین نرمال بودن متغیرها، از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. ضریب همبستگی بین میزان عدالت رویه ای و میزان مشارکت انتخاباتی برابر با ۰/۴۷۲ و سطح معناداری آن صفر است. به دلیل این که سطح معناداری در ضریب همبستگی کمتر از ۵٪ است، لذا رابطه مثبت و معناداری بین دو متغیر میزان عدالت رویه ای و میزان مشارکت انتخاباتی وجود دارد. هر چه میزان عدالت رویه ای بیشتر شود، مشارکت انتخاباتی بیشتر می شود و برعکس هر چه میزان عدالت رویه ای کمتر باشد، میزان مشارکت انتخاباتی در بین آنان کاهش می یابد. بین میزان مشارکت انتخاباتی و ابعاد دیگر عدالت اجتماعی نیز رابطه مثبت و مستقیمی وجود دارد و میزان همبستگی آنها نیز نسبتاً متوسط است.

مدل‌های معادله ساختاری از جمله روش‌های آماری محسوب می شوند که براساس آنها می توان به طور همزمان مجموعه ای از متغیرهای آشکار و پنهان، درونی و بیرونی، مستقل و وابسته را در ارتباط یکسویه و دو سویه با یکدیگر ملاحظه کرد و مدل‌های تدوین شده بر مبنای چارچوب نظری را آزمود.

شکل زیر تصویر کلی آزمون مدل نظری تحقیق را نشان می‌دهد. در این شکل یافته‌ها حاکی از آن است که بین ماتریس واریانس نمونه‌ای و مشاهده شده تفاوتی وجود ندارد و شاخص‌های برازش مدل: $\chi^2 = 185.8$, $df = 58$, $NFI = 0.97$, $CFI = 0.98$, $GFI = 0.93$, $TLI = 0.97$, نشان دهنده برازش نسبتاً مناسب مدل هستند. همچنین مقدار $RMSEA = 0.038$ می‌باشد که برازش نسبتاً خوبی را نشان می‌دهد. شاخص‌های مدل آزمون نیکویی برازش ساختار نظری مطرح شده با داده‌های مشاهده شده و اعتبار سازه ای وسیله اندازه‌گیری وسیله مورد بحث را نشان می‌دهد. کلیه شاخص‌های تطبیقی مدل، نیز مقادیری نزدیک به محدوده پذیرش را نشان می‌دهند که به معنای توان نسبی مدل برای فاصله گرفتن از یک مدل استقلال و نزدیک شدن به یک مدل اشباع شده بر مبنای معیارهای تعریف شده برای آنها است. با توجه به درجه آزادی مدل، مدل فرا مشخص می‌باشد. مجموع اثر مستقیم کل عدالت اجتماعی بر مشارکت انتخاباتی برابر با ۰/۷۸ است.



شکل شماره ۲: مدل نهایی برازش شده بر اساس تکنیک تجزیه و تحلیل معادلات ساختاری برای پیش بینی رابطه بین عدالت اجتماعی و مشارکت انتخاباتی

Chi-square = ۱۸۵.۸ , df = ۵۸ , NFI = .9۷ , CFI = .9۸ , GFI = .۹۳ , RMSEA = .0۳۸

جدول شماره ۶: خلاصه ای از شاخص های برازش برای مدل

شاخص ها	نام شاخص	اختصار	بrazش قابل قبول	مقدار به دست آمده	نتیجه گیری
شاخص های برازش مطلق	سطح تحت پوشش کای دو		بزرگ تر از ۵ درصد	۹۴٪	قابل قبول
	شاخص نیکویی برازش	GFI	GFI > 90%	۹۳٪	قابل قبول
	شاخص نیکویی برازش اصلاح شده	AGFI	AGFI > 90%	۸۹٪	قابل قبول
شاخص های برازش تطبیقی	شاخص برازش هنجار نشده	NNFI	NNFI > 90%	۹۰٪	قابل قبول
	شاخص برازش هنجار شده	NFI	NFI > 90%	۹۷٪	قابل قبول
	شاخص برازش تطبیقی	CFI	CFI > 90%	۹۸٪	قابل قبول
	شاخص برازش نسبی	RFI	RFI > 90%	۸۹٪	قابل قبول
	شاخص برازش افزایشی	IFI	IFI > 90%	۹۰٪	قابل قبول
بrazش شاخص های مقتصد	شاخص برازش مقتصد هنجار شده	PNFI	بالاتر از ۵۰ درصد	۶۵٪	قابل قبول
	ریشه میانگین مربعات خطای برآورد	RMSEA	RMSEA < 08%	۰۳۸٪	قابل قبول
	کای دو بهنجار شده به درجه آزادی	df/CMIN	مقدار بین ۱ تا ۵	۳,۲۰	قابل قبول

بحث و نتیجه گیری

رأی دهی و مشارکت در انتخابات رایج ترین نوع مشارکت سیاسی برای اغلب شهروندان در جوامع مردم سالار است. رأی دادن موثرترین و عملی ترین وسیله برای شهروندان است تا افکار و عقاید خود را در اداره امور عمومی و اجتماعی اعمال نمایند. رأی دهی در واقع یک نوع مکانیسم اجتماعی برای جمع آوری و تشخیص گزینه ها و ارجحیت های اجتماعی است. اساسی ترین عملکرد مشارکت رأی دهی، دادن فرصت برای جانشینی و انتقال پست ها و مسئولیت ها در جامعه می باشد. با توجه به این نکات، مطالعه و تحلیل رفتار رأی دهندگان از مباحث مهم در جامعه شناسی سیاسی است. این نوع مشارکت همراه با عضویت در احزاب و انجمن های سیاسی، کار و فعالیت تبلیغاتی برای نامزدهای انتخاباتی، تماس با مسئولان یا مقامات سیاسی و انواع فعالیت های اطلاع رسانی و ارتباطی مثل ارائه سخنرانی های انتخاباتی، تلاش برای اقناع شهروندان دیگر به رأی دادن به نامزدهای انتخاباتی و غیره از اشکال متعارف (قانونی) مشارکت سیاسی است (سید امامی، ۱۳۸۶، ۶۵). مشارکت شهروندان در انتخابات در بسیاری از جوامع معیار مشروعیت و مقبولیت نظام سیاسی است. اصولاً تحقق نظام دموکراتیک بدون مشارکت شهروندان مفهومی ندارد. میزان مشارکت یا عدم مشارکت شهروندان در هر کشور یکی از مهمترین معیارهای مشروعیت نظام سیاسی یا تأیید و یا عدم تأیید کارگزاران و مدیران هر جامعه تلقی می شود، از این رو برای تمامی کشورها میزان مشارکت در انتخابات و افزایش شمار رأی دهندگان با حساسیت پیگیری می شود (هیوز و داووز، ۱۹۸۶: ۲۹۳). ارزش و اهمیت روز افزون نقش مردم در اداره ی جوامع و رشد نظام های مردم سالار موجب توجه به ایده مشارکت مردم در امور شده است. در دهه های اخیر جنبش های طرفدار مردم سالاری و شیوه های اداره جوامع به روشهای دموکراتیک، تقریباً در تمامی مناطق جهان رو به رشد و گسترش بوده و حق حاکمیت مردم بر سرنوشت خویش مقبولیت عام یافته است، به گونه ای که فکر بر حق بودن مردم جهت دخالت در اموری که مربوط به زندگی آن ها است، مورد توجه همگان قرار گرفته است (حیبی، ۱۳۸۱: ۲۰). صاحب نظران، تحقق توسعه پایدار و یکپارچه را مستلزم مشارکت عمومی و گسترده مردم می دانند و حضور سازمانها و نهادهای محلی و به کارگیری راهبردها و سیاست هایی که مشارکت مردم را تقویت کنند ضروری می دانند (دیویس، ۲۰۰۲: ۳۰۶). شوراها از جمله سازمانهایی هستند که برای تحقق مشارکت مردم در فرایند تصمیم گیری، برنامه ریزی، نظارت و اجرای سیاست گذاری ها در سطوح محلی و منطقه ای فعالیت می کنند و از این طریق زمینه مشارکت مردم در امور مربوط به خودشان را فراهم می کنند. بنابراین شوراها نوعی حضور نهادینه شده مردم در عرصه سیاست

هستند (ماری، ۲۰۰۳: ۲۲). مسأله انتخابات و تحلیل رفتار انتخاباتی مردم در یک کشور یا یک منطقه جغرافیایی، به عنوان یک رفتار سیاسی، در حقیقت یکی از پیچیده ترین مسائلی است که توجه اندیشمندان در رشته‌های مختلف علوم سیاسی، جامعه‌شناسی و روانشناسی را به خود جلب کرده است.

احمدلو (۱۳۹۸) نشان داد که توسعه یافتگی اولیه و بهره‌مندی اجتماعی به صورت منفرد شرط‌های معمولاً لازم برای مشارکت انتخاباتی هستند. بررسی علیت‌های منفرد نشان داد که هیچ کدام از متغیرهای اصلی شرط علی لازم و قطعی برای مشارکت انتخاباتی نیستند. توسعه یافتگی اولیه، پایگاه اجتماعی - اقتصادی، دریافت منابع اقتصادی تنها در نیمی از موارد شرط لازم برای مشارکت انتخاباتی هستند. در بررسی علیت‌های منفرد همچنین مشخص شد که بهره‌مندی اجتماعی قویترین شرط علی برای مشارکت انتخاباتی است. در بررسی علیت‌های عطفی نیز مشخص شد که سه ترکیب علی به مشارکت انتخاباتی منجر می‌شود: بر اساس مسیر اول مشارکت انتخاباتی استانها محصول عضویت بالای آنان در مجموعه استانهای حائز بهره‌مندی اجتماعی بالا، عضویت بالا در مجموعه استانهای دریافت کننده منابع اقتصادی بیشتر، و عضویت بالا در مجموعه استانهای توسعه یافته ثانویه است. در مسیر دوم مشارکت انتخاباتی بالا محصول عضویت بالا در مجموعه استانهای حائز بهره‌مندی اجتماعی بالا، عضویت بالا در مجموعه استانهای دارای پایگاه اقتصادی - اجتماعی بالا، عضویت بالا در مجموعه استانهای توسعه یافته ثانویه است. در مسیر سوم مشارکت انتخاباتی حاصل عضویت بالا در مجموعه استانهای دریافت کننده منابع اقتصادی بیشتر، عضویت بالا در مجموعه استانهای دارای وضعیت خوب اقتصادی و عضویت بالا در مجموعه استانهای توسعه یافته اولیه است.

شفیعی و مددلو (۱۳۹۸) معتقدند که عدالت اجتماعی بر شیوه تعاملات در حوزه سیاست اثرات فراوانی دارد و می‌توان نوع، شیوه و مصداق مشارکت سیاسی را با ادراک عدالت اجتماعی ذهنیت جمعی یک جامعه تبیین، تفسیر و یا تغییر داد. از نظر جمعیت نمونه نظام سیاسی جمهوری اسلامی فعلاً نتوانسته است از نفوذ موهبت اجتماعی ثروت و سلطه آن بر حوزه سیاست به قدر کفایت جلوگیری کند و فاصله بسیاری در این جلوگیری با یک جامعه عادل دارد.

مشارکت سیاسی و حضور مردم در انتخابات یکی از عوامل مهم مشروعیت بخش برای نظام‌های سیاسی متفاوت است، به طوری که اکثر کشورها (توسعه یافته و در حال توسعه) سعی می‌کنند زمینه‌های حضور مردم در انتخابات را فراهم کنند. حضور بیشتر مردم در امور سیاسی و مشارکت مردم در تعیین سرنوشت خود، نشان از فراهم بودن بسترهای لازم در این جوامع است. عوامل متعددی می‌تواند در مشارکت انتخاباتی موثر باشند و بر کم و کیف آن تاثیر بگذارند. یکی از این عوامل عدالت اجتماعی است. معمار (۱۳۸۸) نشان داد که هیچکدام از این تئوری‌های مشارکت انتخاباتی، یعنی منابع، مدرنیزاسیون، بازنمایی و نظریه فرهنگی به تنهایی، نتوانسته‌اند تبیین نسبتاً قدرتمندی از مشارکت انتخاباتی سطح شهرستانی در ایران داشته باشند. از بین همه سازه‌های نظری، سازه بازتوزیع منابعی، دارای قوی‌ترین ضریب‌مسیر بوده است. این یافته نشان می‌دهد که عدالت توزیعی، مهم‌ترین عامل تبیینی برای توضیح تفاوت‌پذیری‌های بین شهرستانی میزان رأی‌دهی در مقطع مورد مطالعه می‌باشد.

یافته‌ها نشان داد که عدالت اجتماعی ارتباط مستقیمی با مشارکت انتخاباتی دارد. ضریب همبستگی پیرسون بین عدالت اجتماعی و میزان مشارکت انتخاباتی برابر با ۰/۵۲۲ است. در بین ابعاد عدالت اجتماعی، بعد عدالت توزیعی بیشترین همبستگی را با مشارکت انتخاباتی داشته است. این نتایج هماهنگ با یافته معمار (۱۳۸۸) است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که برای افزایش در مشارکت انتخاباتی در بین شهروندان مازندرانی بایستی به عدالت اجتماعی و ابعاد آن و از همه مهمتر عدالت توزیعی توجه ویژه ای نمود و شرایط را برای افزایش عدالت توزیعی در جامعه فراهم نمود.

منابع

- ابراهیم‌پور، داوود و دیگران (۱۳۹۴) رابطه عدالت اجتماعی ادراک شده با مشارکت شهروندان در توسعه یافتگی شهر تبریز، مطالعات جامعه‌شناختی شهری، دوره ۵، شماره ۱۶، پاییز ۱۳۹۴، صص ۱۱۹-۱۴۲.
- احمدلو، حبیب (۱۳۹۸) مطالعه تطبیقی رفتار انتخاباتی در ایران بعد از انقلاب اسلامی (مقایسه جامعه‌شناختی بین استانی)، رساله دکتری تخصصی، ۱۳۹۸، مرکز تحصیلات تکمیلی، گروه علوم اجتماعی.
- آلموند، گابریل آبراهام، پاول، بینگهام و مونت، رابرت جی (۱۳۷۷). چارچوبی نظری برای بررسی سیاست تطبیقی، ترجمه علیرضا طیب، تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- ازکیا، مصطفی (۱۳۷۷) جامعه‌شناسی توسعه، تهران، چاپ اول، موسسه نشر کلمه.
- امام جمعه‌زاده، سید جواد، محموداوغلی، رضا و عیسی نژاد، امید (۱۳۸۹). «بررسی میزان دینداری و مشارکت سیاسی دانشجویان دانشگاه اصفهان»، پژوهش‌نامه علوم سیاسی، سال ششم، شماره ۱: ۳۴-۷.
- ایوبی، حجت‌الله (۱۳۷۷) مشارکت انتخاباتی (علل و انگیزه‌ها)، مجموعه مقالات مشارکت سیاسی. به کوشش علی اکبر علیخانی. تهران: سفیر.
- پورعزت، علی اصغر (۱۳۸۰). ضرورت توسعه فرهنگ عدالت‌پذیر برای نیل به جامعه عدل موعود. ماهنامه تدبیر، شماره ۱۶۷.
- پورعزت، علی اصغر. (۱۳۸۰). مدیریت دولتی و عدالت اجتماعی. دانش مدیریت. شماره ۵۵
- پناهی، محمدحسین (۱۳۸۴) تاثیر وسایل ارتباط جمعی بر مشارکت سیاسی، فصلنامه علوم ارتباطات، دانشگاه علامه طباطبایی شماره ۲۸-۲۹، زمستان ۱۳۸۳-بهار ۱۳۸۴، صص ۹۱-۹۰.
- پناهی، محمدحسین (۱۳۸۶) جامعه‌شناسی مشارکت سیاسی زنان، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، تهران.
- حیدرآبادی، ابوالقاسم و صالح‌آبادی، ابراهیم (۱۳۹۳) بررسی توسعه آموزشی و مشارکت انتخاباتی در ایران، فصلنامه توسعه اجتماعی فرهنگی، دوره سوم، شماره ۲، پاییز ۱۳۹۳، صفحات ۱۱۱-۸۱.
- دارابی، علی (۱۳۸۸) جامعه‌شناسی انتخابات و رفتار انتخاباتی در جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه مطالعات سیاسی، ۶۸-۷۰.
- ربیعی، علی (۱۳۸۰) جامعه‌شناسی تحولات ارزشی: نگاهی به رفتار شناسی رأی دهندگان در انتخابات دوم خرداد ۱۳۷۶. تهران: فرهنگ و اندیشه
- رضی، داود (۱۳۸۰)، بررسی تطبیقی عوامل اجتماعی مؤثر بر میزان مشارکت مردم در انتخابات شش دوره ریاست جمهوری پس از پیروزی انقلاب، مجله علوم انسانی دانشگاه الزهراء، شماره ۳۷ و ۳۸
- زائرکعبه، رحیم و دیگران (۱۳۹۶) بررسی زمینه‌های جامعه‌شناختی تکوین گفتمان‌های عدالت اجتماعی در ایران: مطالعه موردی دولت‌های پس از انقلاب اسلامی، جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام، دوره ۵، شماره ۱۱، پاییز و زمستان ۱۳۹۶، صفحه ۹۳-۱۲۲.
- ساروخانی، باقر (۱۳۹۵) روش تحقیق در علوم اجتماعی، تهران، انتشارات پژوهشکده علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ چهارم.
- ساعی، علی (۱۳۸۸)، توسعه آموزشی و مشارکت انتخاباتی: مطالعه موردی انتخابات دوره نهم ریاست جمهوری ایران، فصلنامه علوم اجتماعی تابستان ۱۳۸۸ - (۴۵): ۱-۲۳.
- عبداللهی، محمد (۱۳۸۷) زنان در عرصه عمومی، عوامل، موانع و راهبردهای مشارکت مدنی زنان ایران، چاپ اول، انتشارات دفتر مطالعات اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران.

- عرفانی، نصرالله (۱۳۸۳). «مشارکت‌جویی رابطه‌گرایش ارزشی و سیاسی دانش‌آموزان مراکز پیش‌دانشگاهی استان همدان»، گزارش طرح تحقیقاتی، شورای تحقیقات سازمان آموزش و پرورش استان همدان.
- عریضی سامانی، سید حمیدرضا و محسن گل پرور (۱۳۸۴). رابطه بین رویکردهای عدالت اجتماعی با مولفه‌های برابری سیاسی، مجله رفاه اجتماعی. ۱۳۸۴؛ ۴ (۱۶): ۱۵۵-۱۸۴.
- طالبان، محمدرضا، میرحسینی، مهسا (۱۳۹۵). بررسی ارتباط احساس عدالت سیاسی با نوع دینداری و سوگیری ایدئولوژیک، جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی، بهار و تابستان ۱۳۹۵ - شماره ۷، صص ۳۵-۹.
- قاضیان، حسین (۱۳۸۰). بررسی جامعه‌شناختی انتخابات در ایران بر حسب شکاف مدرن - سنتی: نمونه انتخابات دوم خرداد ۱۳۷۶. رساله دوره دکتری، تهران دانشگاه تربیت مدرس.
- مصفا، نسرين (۱۳۷۵)، «مشارکت سیاسی زنان در ایران»، تهران: وزارت امور خارجه، موسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، تهران.
- معمار، رحمت‌اله (۱۳۸۸)، تبیین جامعه‌شناختی مشارکت انتخاباتی، بررسی تطبیقی میزان رأی‌دهی بین شهرستان‌های ایران، رساله دکترای جامعه‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی.
- میلبراث، لستر و لیل گوئل (۱۳۸۶). مشارکت سیاسی، ترجمه رحیم ابوالحسنی، تهران: نشر میزان.
- محمدمدی‌فر، نجات و دیگران (۱۳۹۴). تجزیه و تحلیل نقش کیفیت زندگی بر نوع و میزان مشارکت سیاسی (مطالعه موردی: شهر اصفهان)، توسعه اجتماعی، دوره ۱۰، شماره ۲، زمستان ۱۳۹۴، صفحه ۱۲۷-۱۵۶.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۵). نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن.
- یوسفی (۱۳۸۱). تاملی در مفهوم مشروعیت سیاسی، واری مدل نظری مشروعیت، دانشور پزشکی، دوره ۹، شماره ۳۹، تیر ۱۳۸۱، صص ۱۳۴-۱۱۹.
- هانتینگتون، ساموئل (۱۳۷۰). سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، نشر علم.
- هزارجریبی، جعفر (۱۳۹۰). بررسی احساس عدالت اجتماعی و عوامل موثر بر آن (مطالعه موردی شهر تهران)، فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی، دوره ۲۲، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۰، صفحه ۴۱-۶۲.
- Albanesi, C. Zani, B. & Cicognani, E. (2012). Youth civic and political participation through the lens of gender: The Italian case. *Human Affairs*, 22 (3), 360-374.
- Chen, Jie and Lu, Chunlong, 2011, Democratization and the Middle Class in China: The Middle Class's Attitudes toward Democracy, *Political Research Quarterly*, 64 (3) 705-719.
- Flavin, P. & Keane, M. J. (2012). Life satisfaction and political participation: evidence from the United States. *Journal of Happiness Studies*, 13 (1), 63-78.
- Graeme Gill (2000). *The Dynamics of Democratization. Elites, Civil Society and the Transition Process*. Basingstoke: Macmillan.
- Kirbiš, A. (2013). *Political Participation and Non-democratic Political Culture in Western Europe, East-Central Europe and Post-Yugoslav Countries, Democracy in Transition* (pp. 225-251): Springer.